

ارزیابی سیاست پولی در اقتصاد ایران

مصاحبه با دکتر ولی‌اله سیف^۱



تورمی در اقتصاد است. در این شرایط، بانک مرکزی نیز همواره سعی در کاهش نرخ سود بانکی داشته که خود، اثر انبساطی دارد. نرخ سود بانکی کوتاه‌مدت عادی و ویژه بانک‌ها در سال ۱۳۸۶ به ترتیب حدود ۱۰ تا ۱۳ درصد و ۱۵ تا ۱۷/۵ درصد بوده است، در حالی که این رقم در سال ۱۳۸۹ بین ۶ تا ۱۱ درصد و ۸ تا ۱۲ درصد می‌باشد. طی ۵ سال گذشته نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت نیز بین ۲ تا ۳ درصد کاهش یافته است. این نرخ‌ها بدون توجه به شرایط رکودی/تورمی اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته تعیین شده‌اند.

• به طور خلاصه می‌توان نتایج زیر را از مقدمه بالا کسب کرد:

– سیاست پولی بانک مرکزی انبساطی بوده است؛

– سیاست پولی بانک مرکزی با وضعیت اقتصادی کشور متناسب نبوده است.

۲. نقش بانک مرکزی در سازگاری سیاست پولی با اجرای طرح «هدفمند کردن یارانه‌ها»

• حذف، تعدیل یا وضع یارانه‌ها قاعده‌تاً بخشی از سیاست مالی است

۱. ارزیابی سیاست‌های پولی طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۸۹

• طی ۴ سال و ۸ ماه گذشته حجم پول تقریباً ۲/۵ برابر شده است و به طور متوسط هر ساله حدود ۲۶/۲ درصد رشد کرده است. اغلب اقتصاددانان بر این باورند که برقراری رابطه متناسب بین حجم پول و رشد اقتصادی یکی از لوازم تعادل اقتصادی می‌باشد. رشد اقتصاد ایران در ۵ سال گذشته، به طور متوسط حدود ۳ درصد برآورد می‌گردد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، متوسط رشد حجم پول با متوسط رشد اقتصادی متناسب نبوده و به نظر می‌رسد سیاست پولی، تورم‌زا بوده باشد.

• در سال‌های اخیر، بانک‌ها همواره این ادعا را مطرح کرده‌اند که با کمبود منابع مواجه‌اند و نمی‌توانند به تقاضای دریافت تسهیلات پاسخ دهند و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش یافته است. طی ۵ سال گذشته نسبت تسهیلات بخش خصوصی به کل سپرده‌ها بین ۹۹ تا ۱۰۶ درصد در حال تغییر بوده است که این به معنای استفاده بانک‌ها از حداکثر ظرفیت اعتباری خود و یکی از نشانه‌های شرایط

و تسهیلات در بانک‌ها از این نرخ تبعیت می‌کنند و بر اساس میزان ریسک یا مدت زمان، اندکی بیش از نرخ مرجع می‌باشند.

• در بسته‌های سیاستی و نظارتی بانک مرکزی، نرخ به وسیله بخشنامه تعیین می‌شود و در اکثر مواقع، شرایط بازار و اقتصاد در نظر گرفته نمی‌شود. به طور مثال در سال ۱۳۸۹ نرخ سود به گونه‌ای تعیین شده که نرخ اوراق مشارکت بانک مرکزی که ریسک آن تقریباً صفر است، از نرخ تعیین شده برای تسهیلات عقود مبادله‌ای که ممکن است ریسک بالایی داشته باشد، $\frac{3}{5}$ درصد بیشتر است و یا بانک مرکزی اعلام کرده که می‌تواند جهت تنظیم بازار پول اقدام به انتشار اوراق مشارکت نماید و نرخ آن ۲ درصد بالاتر از نرخ سود سپرده متناظر بانک‌ها خواهد بود. از طرف دیگر، بانک‌های مرکزی در تمام دنیا تنها به خرید و فروش اوراق قرضه موجود در بازار اقدام می‌کنند. در حالی که بانک مرکزی ایران برای کنترل حجم پول خود، به انتشار اوراق مشارکت مبادرت می‌نماید.

• معمولاً بانک‌های مرکزی دنیا در نحوه تخصیص منابع بانک‌ها دخالت نمی‌کنند و نحوه ارائه تسهیلات را به خود بانک‌ها واگذار می‌نمایند تا آنها بر اساس سیاست‌های ریسک اعتباری اتخاذ شده ترکیب تسهیلاتی خود را تعیین نمایند. بسیاری از مواردی که در بسته سیاستی و نظارتی آمده است، جزء وظایف جاری بانک مرکزی نیست. تنها ماده ۴ (تعیین سپرده قانونی بانک‌ها) فصل اول بسته سیاستی و نظارتی (سیاست‌های پولی) جزء وظایف کلاسیک بانک مرکزی است و سایر بندها مانند تعیین میزان وام مسکن، خودرو، و ... در حیطه اختیارات بانک مرکزی نمی‌باشد.

• در فصل سیاست اعتباری، بانک مرکزی بندهایی را به عنوان توصیه پیشنهاد کرده است که در کار بانک‌ها اخلاقی به وجود نمی‌آورد ولی جهت تخصیص منابع بانک‌ها تعیین تکلیف کرده است. کاری که به عهده بانکدارها و اعضای هیأت مدیره بانک‌هاست. معمولاً مبنای این تقسیم‌بندی نیز، عوامل غیراقتصادی می‌باشد.

• مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی بخش‌های نظارتی است. این در شرایطی است که هدف‌گذاری، به صورت کلی انجام شده باشد. بر خلاف فصل اول، که بانک مرکزی نرخ سود سپرده و تسهیلات را به صورت روشن مشخص کرده است، راهکار عملی و جدی و هدف‌گذاری شده‌ای جهت کاهش مطالبات معوق بانک‌ها مطرح نشده است. در کشورهای پیشرفته، طبق مقررات بال، بانک‌ها باید جهت حفظ ارزش پرتفوی در معرض خطر خود، اعم از دارایی‌های ارزی یا

و دور از حوزه عمل سیاست پولی به نظر می‌رسد. در صورتی که نقش بانک مرکزی در تأمین مالی دولت پررنگ نبود، اجرای این طرح اثر چندانی روی سیاست‌های پولی نمی‌گذاشت. در شرایط عادی، تفکیک این دو، شرط لازم موفقیت هر سیاست است و اختلاط آنها گاه مخاطره‌آمیز است.

• بانک مرکزی تا به حال در این مورد گزارشی ارائه نداده است. با این همه، می‌توان گفت بانک مرکزی در تأمین منابع مالی در اجرای طرح «هدم‌کردن یارانه‌ها» عملاً نقش مهمی داشته است. مطالبات بانک مرکزی از دولت حدود ۱۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش پیدا کرده است که از این مبلغ حدود ۳۰ هزار میلیارد مربوط به طرح هدم‌سازی یارانه‌ها می‌باشد.

• از طرف دیگر، عملاً شرایطی پیش آمد که بانک مرکزی توانست تا حدودی آثار انبساطی / تورمی این وام را خنثی کند؛ بالا رفتن نرخ ارز و عواملی که تحت عنوان «سایر» در عوامل مؤثر در تغییرات پایه پولی عنوان می‌شوند، سبب شدند افزایش پایه پولی در این مدت به ۵ درصد محدود گردد. چنانچه این تغییرات صورت نمی‌گرفت، اعطای اعتبار بانک مرکزی به دولت موجب افزایش پایه پولی حدود ۳۱ درصد می‌شد.

۳. کارایی بسته‌های سیاستی بانک مرکزی

• در بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی برخی از جنبه‌های نظارتی کمتر مورد توجه قرار گرفته و در عوض، در برخی موارد، به موضوعاتی پرداخته شده که کمتر در بانک‌های مرکزی مرسوم است. این بسته‌ها معمولاً به ۵ بخش سیاست‌های پولی، اعتباری، نظارتی، بانکداری الکترونیک و سایر تقسیم‌بندی شده‌اند.

• یکی از اشکالات این بسته، استفاده از ابزارهای کنترل فیزیکی جهت اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری است. مهم‌ترین بخش سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی، تعیین نرخ سود سپرده‌های بانکی و نرخ سود تسهیلات است که به صورت بخشنامه در قالب این سیاست اعمال می‌گردد. بانک‌های مرکزی مدرن دنیا فقط نرخ سود کوتاه‌مدت را تعیین می‌کنند. این نرخ یک نرخ مرجع و کمترین نرخ است که بر اساس آن بانک‌های معتبر به یکدیگر وام‌های کوتاه‌مدت^۲ می‌دهند. بانک‌های مرکزی نه به صورت دستوری، بلکه با استفاده از سیاست تنزیل مجدد و تا حدی خرید و فروش اوراق قرضه دولتی، این نرخ را در محدوده هدف‌گذاری شده نگه می‌دارند. نرخ سود سپرده‌ها

* تشکیل مؤسسات مالی تخصصی (فعال در بازار سرمایه و فعال در وام‌های توسعه‌ای و زیربنایی) تسهیل شود.

۵. ویژگی‌های قابل تصریح در طرح تحول نظام بانکی از حیث ابزار، اهداف و چارچوب نهادی

علاوه بر مواردی که در بند ۴ به آنها اشاره شد (مانند تنزیل مجدد، رعایت مقررات احتیاطی بال، و کنترل مؤسسات اعتباری غیرمجاز) جایز است نکات زیر مورد توجه قرار گیرند:

- توجه به بحث حاکمیت شرکتی و تدوین استانداردهای آن و لزوم تطبیق مقررات و عملیات مؤسسات اعتباری با قوانین و مقررات بانک مرکزی؛ اخلاق حرفه‌ای؛ و منافع سهامداران، سپرده‌گذاران، مشتریان بانک و دیگر اشخاص ذی‌نفع
- توجه به استانداردهای کنترل داخلی و لزوم استفاده از حسابرس داخلی^۲ برای حصول اطمینان از صحت عمل مجریان مؤسسات اعتباری و نحوه نگهداری حساب‌های آنها.

۶. ابزارهای پولی اسلامی و ضرورت نظارت بانکی مرکزی بر اجرای صحیح قانون بانکداری بدون ربا

- تسهیل در اجرای بانکداری اسلامی با استفاده از تجربیات طولانی گذشته در کشور و همچنین تجربه سایر کشورهای مسلمان.
- آنچه مسلم است، روش‌های انتخاب‌شده در رابطه با بانکداری اسلامی در کشور ما منحصر به فرد است و از عقود مختلف اسلامی به شیوه‌های خاصی استفاده شده است. تجربه نشان می‌دهد که عقود مبادله‌ای به نحو مناسب‌تری توانایی تطبیق با نیازها و اهداف کلیه فعالان اقتصادی و ذی‌نفعان نظام بانکی را دارد و عقود مشارکتی، در صورت اجرا به صورت دقیق، ریسک جدیدی را تحت عنوان ریسک بازار کالا وارد صورت‌های مالی بانک‌ها می‌کنند که نمی‌تواند مورد قبول واقع شود. بنابراین واقعیت، و همچنین با توجه به جهت‌گیری بانکداری اسلامی در کشورهای دیگر، به نظر می‌رسد بایستی زمینه فعالیت بانک‌ها حول محور عقود مبادله‌ای به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- مصاحبه حاضر به صورت غیرحضوری و در روزهای پایانی سال ۸۹ صورت پذیرفته است که در آن دکتر سیف نقطه نظرات خود را در مورد هفت محور سیاست پولی که توسط مجله تازه‌های اقتصاد طرح شده بود، به صورت مکتوب ارائه نمودند.

2- Overnight

3- Internal Auditor

پول ملی و سرمایه‌گذاری‌ها و ... ذخیره مناسبی را کنار بگذارند و خود را به صورت روزانه با مقررات تعدیل کنند. حذف بخش‌های پتجم و ششم نیز چیزی از بسته سیاستی و نظارتی بانک مرکزی کم نمی‌کند.

- یکی دیگر از وظایف مهم بانک مرکزی این است که مؤسسات پولی و مالی، زیر نظر و کنترل آن به فعالیت بپردازند. در تبصره ۴ ماده ۱۸ این بسته اشاره شده است که فعالیت تمامی شرکت‌ها و مؤسسات اعتباری که عملیات پولی و بانکی و اعتباری انجام می‌دهند، صرفاً بر اساس مجوز و ضوابط و مقررات بانک مرکزی مجاز است. در سال ۱۳۸۹، نتیجه مهمی نیز به دست آمد و آن تحت کنترل قرارگرفتن بخش عمده‌ای از بازار غیرمتمشکل پولی از طریق تبدیل تعدادی از این مؤسسات بزرگ به بانک است که باعث می‌شود سیاست پولی کمتر با انحراف مواجه گردد.

۴. تدوین شاخص‌های رفتاری سیاست پولی در سال ۱۳۹۰

- جهت ایجاد تحول اساسی در حیطه بانکداری و سیاست‌های اعتباری در سال ۱۳۹۰ پیشنهاد می‌گردد:
- * رشد حجم پول به طور محدود و متناسب با رشد اقتصاد و تورم هدف‌گذاری شده افزایش یابد.
- * راه‌اندازی بازار منابع بین بانکی و پول کوتاه‌مدت کمک بزرگی به ایجاد شفافیت در بازار پول خواهد کرد. بانک مرکزی با دخالت در این بازار، از طریق خرید و فروش اوراق مشارکت دولتی (کوتاه‌مدت) و تعیین نرخ سود تنزیل مجدد، بهتر خواهد توانست سیاست پولی را اعمال نماید.
- * نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات در بازار رقابتی و بدون دخالت بانک مرکزی تعیین گردد.
- * بانک مرکزی از تخصیص بخشنامه‌ای تسهیلات به بانک‌ها خودداری نماید. نظارت‌های سختگیرانه جهت کنترل بانک‌ها برای رعایت مقررات بال و استانداردهای بین‌المللی پیش‌بینی شود و اهداف، به صورت کمی مشخص گردد و در صورت عدم رسیدن به اهداف، ضمانت‌های اجرایی کافی پیش‌بینی شود.
- * کنترل مؤسسات اعتباری بدون مجوز، به‌خصوص از دید سلامت مالی آنها و رعایت مقررات و ضوابط بانکی تشدید شود.
- * اعطای اعتبار به دولت و مؤسسات دولتی محدود شود.
- * تسهیلات تکلیفی لغو گردد.